


وب سایت استاد موسوی

	تاریخ روز : ۲۱ / ۰۱ / ۱۳۹۹	تاریخ ثبت : ۲۱ خرداد ۱۳۹۵	عنوان : نقش صوت معلم در ادراک متعلم
---	----------------------------	---------------------------	-------------------------------------

«بسمه تعالی»

نقش صوت معلم در ادراک متعلم

در این گفتار می‌خواهیم نقش صوت را در انتقال علم بدانیم؛ و بدانیم که اصولاً دریافت مبانی معارف الهی از چه گذر صورت می‌گیرد؟ آیا باید برای کسب این معارف در برابر استاد حکیم زانو زد یا دریافت این امر با مطالعه نیز امکان پذیر خواهد بود؟! لذا در زمینه نقش عضلات حنجره و مکانیزم امواج صوتی در انتقال علم تحقیقی ارائه می‌شود.

هر پیام به صورت رشته یا زنجیره‌ای از واحدهای زبانی است که در درون شریان عصب انسان به خیزش می‌آید و موجب ارتعاش دو تیغه نازک تارهای صوتی حنجره می‌شود. حنجره در عقب زبان و در بخش فوقانی نای قرار دارد. وقتی ماهیچه‌های تارهای صوتی که حالت ارتجاعی دارند، کشیده شوند، شکاف باریکی بین آنها ایجاد می‌شود که با عبور هوای بازدم از این شکاف، تارهای صوتی به ارتعاش در می‌آیند. این ارتعاش موجب مرتعش شدن هوای داخل حلق، شش‌ها، دهان و حفره‌های بینی شده و به این ترتیب صوت ایجاد می‌گردد.

آنگاه صوت به صورت ارتعاشاتی در هوا به قیفی گوش مخاطب می‌رسد و تبدیل به یک رشته واحد می‌شود، مایع لزج گوش یعنی اندولف (endolymph) را به لرزه می‌آورد، پس از طی مراحل به صورت سلسله‌ای از حرکات عضلانی در می‌آید. همین که ریتم صوت پیام‌دهنده به عصب مخاطب میرسد، پیام صوتی مانند قطره آبی به غلطیدن در می‌آید. به این معنی که اول این پیام عصبی متصل است، سپس منفصل می‌شود و به صورت رشته‌ای از امواج صوتی تجلی می‌یابد.

اگر در انتقال صوت پیام‌دهنده استاد و پیام‌گیرنده جان‌های مخلص پژوهندگان عرفان و دانش باشند، هنگامی که ریتم پیام‌های استاد به قیفی گوش پژوهنده می‌رسد و او با الفاظ آشنا می‌شود، این الفاظ به صورت پیام‌های عصبی تجسم می‌یابند و گاهی پیام استاد به زیباترین جلوه در نزد شاگرد نمودار می‌شود.

نکته قابل توجه این است که متعلم تا چه حد پذیرای امواج استاد است؟ اگر کام جان او برای دریافت این جلوه باز بود، پیام‌های علمی و عرفانی را به زیبایی و آرامش می‌بلعد، اما اگر تمام بدنش سرّ و خرفت باشد یا در عالم دیگری سیر کند، هرچند این ریتم دلنواز به گوش او برسد اما از او در حذر و گذر است. درحقیقت، اگر قلب متعلم آماده بود و تجلی علم را جذب نمود، گرفت علمی او نسبت به مطالب استاد دائمی است و اگر خونش آمادگی دریافت امواج علمی استاد را داشت، مطلب برای او با مطالعه آشکار می‌شود و اگر استخوانش حامل دریافت این ریتم صوت شد، با تحریک خارجی مطالب علمی استاد در او بروز می‌یابد. پس یافتیم برای دریافت حقایق و منابع عرفانی، صرفاً کانال مطالعه منابع کافی و ضرور نیست و باید آن را از کانال دیگری نیز یافت؛ یعنی باید از کانال مکتوب‌ها و نوشته‌ها گذشت و در برابر حریم حرم استادی حکیم زانو زد و متلمذ شد. درضمن گفتیم، قابلیت اعضای بدن هم در گرفت علم حضوری و ریتم بیان استاد نقش دارند.

اما مطلب حائز اهمیت این است که در کدام نقطه از جسم و جان انسان نیروهای تمیز دادن موجود است؟ همانگونه که گفته شد، امواج صوتی گفتار به گوش شنونده می‌رسد و در استخوان گوش لرنشی پدید می‌آورد، اعصاب گوش با مراکز گفتاری و مغز او مرتبط می‌شوند، ابتدا به کف پای چپ می‌رود، قلب را به تپش می‌آورد، پس از آن به مغز رفته و در مرحله بعد به مرکز گیرنده گودی پشت گردن که یک هفتادم عدس است

وارد میشود و سپس به بین دو ابرو منتقل می‌شود، آنجا محل تمیز اصوات است که کدام کلام را بپذیرد و کدام را رد کند و درنهایت، آنچه حق است به جان او جای می‌گیرد و آنچه ناحق است، از او فرار می‌کند.

اما در پایان گفتار دو رمز از رموز جهان صوت را برای شما بیان می‌کنیم؛ تفکر و تعمق و تأمل بیشتر در این مرحله با شما خوانندگان گرامی است.

این مرکز گیرنده و تمیزدهنده اصوات در آنان که در سیر عرفان باشند، قوی‌تر است و بهواسطه این شدت و قوی بودن گیرنده است که عارفان الهی اصوات دروغ، بی‌اثر و پر از فتنه و عیب را عفن و کدر می‌پایند و از این منبع اصوات فاصله می‌گیرند. همچنین، از آنجایی که طنین صوت برخی از اساتید برخاسته از جهانی اشراقی است و لمعان دارد، گیرنده آن اصوات هم که خواهان دریافت آن لمعان و اشراق‌هاست، باید به صورتی خود را آراسته کند تا بتواند حقیقت آن اشراق را بیابد.

ای مخاطب! این را بخوان، بدان و همیشه بدان که تا از سنخ حق نشوی، نخواهی یافت مگر الفاظ آن را.

لذا پس از کاوش و جستجو در این مبانی به این نتیجه می‌رسیم که دریافت معارف عالی و پیچیدگی‌های علوم جز به زانو درآمدن در محضر استاد از چیزی دگر کمتر میسر است!